

متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحيم سلام استاد عزیز: نمی‌دانم درد دل خود را چطور بیان کنم. در ابتدا از حضرتعالی و کاربران محترم عذر می‌خواهم که مطلب طولانی می‌شود. اما چاره‌ای ندارم. مطلب را از این طریق مطرح می‌کنم تا ان شاء الله با پیگیری و همراهی دیگر مراجعه کنندگان به سایت عزیز المیزان که در این باره با بنده توافق دارند بلکه بشود کاری کرد و از این دردسر عظیمی که گریبان جوانان مملکت ما را گرفته است و کیان مملکت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را به خطر انداخته است، نجات پیدا کنیم. معضلی که در نظر دارم با شما درمیان بگذارم، به ورزش حرفه‌ای و به‌ویژه فوتبال ارتباط دارد. می‌دانیم که مقام معظم رهبری بعد از اینکه به مقام الهی ولایت نائل شدند از اولین سیاستهایی که اعلام کردند حمایت از ورزش قهرمانی بود و آن را برای ایجاد انگیزه در توسعه ورزش همگانی و همچنان نماد نشاط و سلامت جامعه در منظر جهانیان با اهمیت تلقی کردند. واضح است که راه رسیدن به قهرمانی در جهان □ البته معمولاً و نه ضرورتاً □ ورزش حرفه‌ای است. اما مشکل در این است که آیا همانطور که از آموزه‌های دینی برداشت می‌شود و رهبر معظم هم همین را تأکید دارند، قهرمانی و به تبع آن ورزش حرفه‌ای وسیله است یا هدف؟ متأسفانه تلقی مسئولان اجرایی کشور در عمل و نه ادعا صورت دوم یعنی هدف بودن ورزش است و از این رو نگاه ایشان به ورزش حرفه‌ای همان نگاهی است که در غرب به ورزش است که این نگاه باعث می‌شود ورزش حرفه‌ای با همان لوازم و حواشی در کشور نهادینه شود. البته با یک تفاوت اساسی و آن اینکه در غرب مؤسسات تجاری با سرمایه‌گذاری روی ورزش آن را به مرحله سوددهی می‌رسانند و پس از مدتی از سود سرشار آن استفاده می‌کنند اما در ایران مسئولان روی ورزش به اسم «سرمایه‌گذاری» همواره و الی‌الابد از سرمایه بیت‌المال که سهم مردم مستضعف و از جمله بینوایان و پابرهنگان است، «هزینه» می‌کنند و از بیت‌المال و حق مردم به جیب مشتکی مفت خور زانو صفت سرازیر می‌کنند. اما خطری که جوانان، نوجوانان و نونهالان ما و به تبع، آینده کشور ما را تهدید می‌کند چیست؟ می‌دانیم که یک جوان برای پیشرفت، علاوه بر انگیزه‌های شخصی به الگو نیاز دارد. وجود الگو است که او را وامی‌دارد با هر جان‌کندنی هست مشکلات و ناملازمات را پشت سر بگذارد و یقین پیدا کند که اگر این مسیر را به همان دلیل که دیگران پیموده و به نتیجه رسیده‌اند، طی کند حتماً به نتیجه خواهد رسید. حال سؤال این است که در حال حاضر اجتماع ما چه طیفی را به جوان به عنوان الگو معرفی می‌کند؟ یک پزشک متخصص، یک مهندس زحمت‌کش، یک صنعت‌گر کارآفرین، یک مخترع؟ نه! اینها معرفی نمی‌شوند. الگوی جوان ما یا فوتبالیست است یا خواننده پاپ و یا بازیگر سینما! نیاز به دلیل هم نیست. مثل روز

روشن است. جوان وقتی می‌بیند اگر بخواهد به آن شغل‌های مفید مورد نیاز جامعه برسد و در کنار خدمت به مردم یک زندگی آبرومند برای خود تشکیل دهد باید درس بخواند، بی‌خوابی بکشد، خون دل بخورد، اگر پزشک است شب و روز در بیمارستان کشیک باشد، اگر مهندس است روز و شب دنبال انجام پروژه‌های سنگین باشد، اگر مخترع است باید کلی مطالعه و تحقیق کند و کلی سرمایه‌گذاری کند تا یک اختراع جدید به ثبت برساند تازه اگر اختراع او را دیگران به اسم خود ثبت نکنند، چیزی که متأسفانه در مملکت ما خیلی رخ می‌دهد؛ بلکه اینها الگوی جوان معرفی نمی‌شوند. این کارها زحمت دارد و درآمد زیادی هم ندارد. جوان اگر می‌خواهد پیشرفت کند لازم نیست درس بخواند، لازم نیست بی‌خوابی بکشد، لازم نیست به مغز خود فشار بیاورد، لازم نیست چند سال زحمت بکشد تا ثمر کار خود را ببیند تازه آن هم اگر شرایط جور باشد. جوان می‌بیند اگر دنبال عشق جوانی خودش باشد بی‌سواد هم که باشد اشکالی ندارد. کافی است هنر دنبال توپ دویدن را بلد باشد. بازی می‌کند، کیف جوانیش را می‌برد و بدون زحمت فوق‌العاده به همه امکانات مادی می‌رسد. اگر یک کارمند در ماه دو میلیون تومان و در سال بیست و چهار میلیون تومان و در سی سال خدمت □ با صرف نظر از تورم و افزایش حقوق □ حدود هفتصد تا هشتصد میلیون تومان درآمد داشته باشد، یک مهندس مثلاً با یک سوم این زمان مثلاً در ده سال این درآمد را داشته باشد و یک پزشک مثلاً با پنج سال، یک فوتبالیست تنها با یک فصل بازی، تکرار می‌کنم «بازی» □ یعنی عشق و حال □ همین درآمد را دارد. خب جوان با خود می‌گوید: مگر مغز خر خوردم (از تعبیر عامیانه‌ام عذر می‌خواهم) این همه زحمت بکشم بعد هم معلوم نیست موفق بشوم یا نشوم. می‌روم هم ورزش می‌کنم و هم به ثروت می‌رسم. این یک طرف مشکل. طرف دیگر کسانی هستند که به رغم این همه وسوسه، یا عقلشان و یا توان جسمیشان و یا علاقه‌شان اجازه نداده است به فوتبال بپردازند و دنبال درس را گرفتند. وقتی می‌بینند با این همه زحمت و تلاش باید بازهم دنبال یک زندگی آبرومند بدون تلاش طاقت‌فرسا تحمل کنند، و می‌بینند از طرفی مسئولان اجرایی توان مدیریت استفاده از این تخصص را ندارند و از طرف دیگر با چراغ سبزی که غرب به آنها نشان می‌دهد و وعده یک زندگی راحت را به آنها می‌دهد و امکان پیشرفت بیشتر علمی را برای آنها فراهم می‌سازد، خیلی باید دغدغه میهنشان را داشته باشند که نلغزند و فریب وعده‌های آنها را نخورند و این زحمت‌ها را بر خود هموار کنند. یادم می‌آید قرارداد یکی از فوتبالیست‌ها برای یک فصل بازی یعنی یک سال، دو میلیارد تومان بود. درست است که همه این پول به او نمی‌رسد اما درصد بالایی از آن مال او خواهد بود. فکر کردم اگر این پول را بین چهل نفر انسان با استعداد تحصیل کرده توزیع می‌کردند، هر نفر پنجاه میلیون تومان، ولو به صورت وام بهتر نبود (اگر چه ارزش آن را داشت حتی اگر کمک بلاعوض هم می‌بود مشروط به اینکه آن را در عملی کردن تخصصشان در جامعه مصرف کنند). و آیا دیگر این چهل نفر فرضی با این تسهیلات حاضر بودند بازهم مملکت خود را ترک کنند؟ بنده یک فرض که شاید خیلی‌ها آن را فوق‌العاده بدبینانه بدانند و انجام آن را غیرممکن، مطرح می‌کنم. اگر اساساً فوتبال حرفه‌ای از این مملکت برچیده شود،

چه اشکالی پیش می‌آید؟ در نگاه کلان فوتبال هزینه بر است نه سودآور. یعنی بیت المال با واسطه (برای باشگاه‌های نیمه دولتی یا خصوصی) یا بی واسطه (برای باشگاه‌های دولتی) برای آن هزینه می‌شود. باشگاه‌های خصوصی و نیمه دولتی و حتی دولتی مشروط به تأسیس باشگاه‌های ورزشی و اداره آنها، از معافیتهای مالیاتی کلان برخوردار خواهند شد. پس در هر صورت بخش عمده مخارج از بیت المال و بخش کوچکی از جیب مردم تأمین می‌شود. حال اگر همانطور که گفته شد این هزینه در امور علمی و آموزشی مملکت هزینه شود بهتر است و مانع خروج استعدادهای درخشان از مملکت شود یا صرف فوتبال؟ حتی اگر این کار موجب هجوم فوتبالیست‌ها به سمت باشگاه‌های خارجی شود. نگه داشتن اینها برای کشور مفیدتر است یا نگه داشتن تحصیل‌کردگان و دانشمندان؟ تهدید دیگر این است که جوانانی که به فوتبال حرفه‌ای روی می‌آورند، آنها که از ایمان قوی و سواد کافی و فرهنگ اجتماعی مناسبی برخوردار نیستند، وقتی با این ثروت انبوه روبرو می‌شوند، «بعضاً» مدیریت صحیحی در خرج کردن این ثروت ندارند و با زمینه‌های شهوانی که به اقتضای سن و سالشان دارند، به راحتی به فساد و فحشا و انواع و اقسام منکرات دچار می‌شوند که متأسفانه اندکی از اخبار آن در رسانه‌ها درز پیدا می‌کند و صدالبته خیلی خبرها هم مخفی می‌ماند. بروز فساد و فحشا حقیقت تلخی است که در فوتبال ما رخنه کرده است و مسئولان گوش خود را گرفته‌اند تا اخبار آن را نشنوند. و مگر همین فحشا نیست که خبر آن را یکی از جوانان سالم وادی فوتبال در برنامه زنده ۹۰ به گوش همه مردم رساند و مردم را هشدار داد نونهالان خود را به مدارس فوتبال نفرستند اگر می‌خواهند مورد تعرض افراد فاسد قرار نگیرند. ببخشید که خیلی حرف زدم. اما چاره‌ای نداشتم. درد دلی بود که باید مطرح می‌کردم. خیلی تعجب می‌کنم که ورزشی که از اساس با یک طرح استعماری به وجود آمده است □ از نظر بعضی کارشناسان توپ نماد کره زمین است که اینها بین خود می‌چرخانند □ چطور اینقدر مهم شده است که بجای اینکه عامل نشاط و پویایی جامعه باشد نماد فساد اقتصادی اخلاقی و خشونت و غیبت و تهمت شده است. به قول حضرت استاد طاهرزاده در پاسخ به سؤال ۱۴۲۲۰ ورزش را بیش از اندازه بزرگ کرده‌اند.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همین‌طور است که می‌فرمایید. نظام ورزشی ما به‌خصوص فوتبال در مسیری نیست که تابلویی از ارزش‌هایی باشد که انقلاب اسلامی متذکر آن است. ولی عنایت داشته باشید برای عبور از این مشکل کارهای بخشنامه‌ای جواب نمی‌دهد. باید در یک عزم ملی و با رویکرد فرهنگی از آن مشکل به مرور عبور کرد زیرا فعلاً نمی‌شود میل به این ورزش‌ها را از روح جوانان بیرون کرد. لاقلاً در حال حاضر نظام رسانه‌ای ما تا این حدّ به چنین موضوعاتی دامن نزنند! موفق باشید